

اهداف و کارکردهای کنسولگری انگلیس در اصفهان دوره قاجار (۱۹۱۷-۱۸۹۱م.)

حمید حاجیان پور^۱

عیسی شجاعی برجوازی^۲

چکیده

ظهور ناپلئون در عرصه رقابت‌های بین‌المللی و نزدیکی او به دولت قاجار با هدف ضربه‌زدن به منافع انگلیس در هند و همچنین توسعه‌طلبی روس‌ها در ایران با همین هدف باعث شد که انگلیسی‌ها بیش از پیش به موقعیت سوق‌الجیشی ایران پی ببرند؛ بنا بر این، پای ایران نیز ناخواسته به عرصه سیاست جهانی باز شد. اندکی بعد با رفع خطر فرانسه، رقابت اصلی میان روس و انگلیس در ایران آغاز شد. در راستای این رقابت‌ها، مهم‌ترین سازمانی که برای تأمین منافع دولت‌های مزبور بنا شد، کنسولگری بود که در شهرهای مختلف ایران تأسیس شد. اصفهان از جمله این شهرها بود که موقعیتی ویژه به‌عنوان محل تلاقی راه‌های شمال-جنوب در مرکز ایران داشت و روس و انگلیس یکی پس از دیگری کنسولگری‌های خود را با رویکردی متفاوت در این شهر تأسیس نمودند. پژوهش حاضر سعی دارد با روش توصیفی-تحلیلی، رویکرد کنسولگری انگلیس در اصفهان را تبیین کند. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن هستند که کنسولگری انگلیس در اصفهان، رویکردی دوگانه داشت: الف) برتری تجاری انگلیس در اصفهان؛ ب) ایجاد کمربند دفاعی در خط مرکزی ایران با هدف جلوگیری از نفوذ روس‌ها به خلیج فارس و هند. افزون بر آن، کنسولگری انگلیس در اصفهان، اهداف فرهنگی و مذهبی را نیز برای کشور خود تأمین می‌کرد.

▪ واژگان کلیدی:

قاجار، انگلیس، اصفهان، کنسولگری، اهداف، کارکردها.

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

^۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز- ایران hhajianpour@yahoo.com

^۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز، شیراز- ایران (نویسنده مسئول) isa.shojaei@yahoo.com

مقدمه

هر چند سابقه روابط کشورهای اروپائی با ایران به قرن‌ها قبل از قاجار برمی‌گردد، اما روابط منظم و منسجم سیاسی و تجاری آنان از زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار شروع شد. حکومت ایران در پایان قرن هجدهم میلادی دچار انحطاط سیاسی، اقتصادی و نظامی شده بود و قاجارها که هم‌زمان با افزایش قدرت اروپائیان، وارث ضعف‌های بنیادین سده پیشین بودند، ناخواسته و بدون آمادگی لازم با رقابت‌های شدید استعماری مواجه شدند. این رقابت‌ها که پیش از آن، جنبه تجاری و بازرگانی داشت، با انگیزه‌های سیاسی توأم گردید. رقابت‌های اروپائی در ایران به صورت جدی از اوایل قرن نوزدهم میلادی عمدتاً میان سه کشور انگلیس، فرانسه و روسیه شکل گرفت. با کنار رفتن فرانسه از صحنه رقابت‌ها، دو قدرت اساسی و سنتی روس و انگلیس در سراسر قرن نوزدهم و قسمت اعظم قرن بیستم میلادی در عرصه سیاست ایران نقش ثابت و پایداری ایفا نمودند. آنان برای تسلط بر ایران و حفظ منافع استعماری خود با رویکردی متفاوت، به تدریج از اواخر قرن نوزدهم میلادی در شهرهای مختلف ایران، اقدام به ایجاد سازمان‌هایی با نام کنسولگری کردند. این سازمان‌ها که در واقع منشعب از سفارتخانه‌ها بودند، به بهترین شیوه توانستند منافع تجاری، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشورهای متبوع خویش را تأمین نمایند. از آنجا که اصفهان به عنوان بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر مرکزی ایران، اهمیت ویژه‌ای برای دولت‌های مزبور داشت، آنان یکی پس از دیگری و با رویکردی متفاوت اقدام به تأسیس کنسولگری در این شهر کردند؛ از این رو، با توجه به رقابت فشرده این دو قدرت استعماری در اواخر قرن نوزدهم میلادی در ایران و نقش و جایگاه کنسولگری‌ها در این رقابت‌ها، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع و اسناد در صدد پاسخ به این پرسش است که کنسولگری انگلیس در اصفهان در این بازه زمانی چه اهداف و کارکردی داشته است؟

پیشینه تحقیق

در خصوص کنسولگری‌های انگلیس در ایران دوره قاجار پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله: کاظم‌بیگی (۱۳۹۰) در قالب مقاله‌ای، کنسولگری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوران قاجار را واکاوی کرده است. مسعود مرادی و معصومه صاحب‌کاران (۱۳۹۰) در تحقیقی ارزنده، علاوه بر معرفی کنسولگری بریتانیا در خراسان، نقش آن را در گسترش نفوذ انگلیسی‌ها در جنوب شرق ایران تبیین کرده‌اند. مضاف بر این، محمدمهدی

مرادی خلج و رضا صحت‌منش (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی، اهداف و کنسولگری‌های انگلیس در کرمان و سیستان را بررسی کرده‌اند. همچنین حمید حاجیان‌پور و سید میرعبدالرضا حسینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای بر مبنای اسناد، به‌خوبی اهداف و کارکردهای کنسولگری بریتانیا و تعامل آن با کمپانی هند شرقی در شیراز را تبیین نموده‌اند. ناگفته نماند که موضوع پژوهش پیش‌رو، بکر بوده و تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نپذیرفته است.

اهمیت یافتن کنسولگری‌ها در خلال رقابت‌های اروپائیان در ایران

سیاست‌های انگلیس در ایران بیشتر بر مبنای جایگاه چیره هند در تعیین سیاست خارجی بریتانیا طرح‌ریزی می‌شد؛ از این‌رو انگلیسی‌ها اقدام به گزینش هم‌زمان ایران و افغانستان در جهت حفظ هندوستان نمودند (گریوز، ۱۳۸۷: ۴۲۸)؛ در واقع سیاست بریتانیا در ایران یک‌دست نبود و بر اساس رفتار روس‌ها و دیگر رقبا در منطقه تغییر می‌کرد؛ بنا بر این، گاهی افغانستان و گاهی ایران اهمیت می‌یافتند. چنانکه «ایران گاهی نصب‌العین زمامداران انگلستان و گاهی نیز از نظر افتاده است» (کرزن، ۱۳۷۴: ۷۲۲). برخلاف انگلیس، روابط روسیه با ایران از اوایل قرن نوزدهم میلادی با تجاوز آغاز شد. به‌صورت کلی سیاست روس‌ها را در ایران می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: نخست، سیاست خصمانه و اشغالگرانه با هدف رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و هند؛ دوم، سیاست به‌ظاهر دوستانه برای کسب امتیازهای تجاری و اقتصادی در ایران. روس‌ها هر چند موفق به اشغال کامل ایران و رسیدن به آب‌های خلیج فارس نشدند؛ اما در به‌دست‌آوردن امتیازات تجاری از ایران در سایه معاهده ترکمانچای پیروز میدان بودند. کرزن طی گزارشی در این خصوص آورده است: «به‌راستی جا دارد در مورد تفوق روس‌ها در حوزه شمال و شمال غربی مکتبی نموده وضع متفاوتی را که روسیه در روابط خود فعلاً با ایران دارد نسبت به آنچه پیش از جنگ داشته است مقایسه کنیم و به خاطر داشته باشیم که تمام امتیازات بعدی را نیز تحت عنوان صلح و بدون هیچ‌گونه تیراندازی و یا فشار سیاسی به دست آورده است» (همان: ۷۰۱).

روس و انگلیس تا سال‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی بر همین مبنا در عرصه سیاسی و تجاری ایران یکه‌تازی می‌کردند، چنانکه در نهایت با قرارداد ۱۹۰۷م. ایران را به دو منطقه نفوذ و یک منطقه بی‌طرف میان خود تقسیم کردند. به‌دنبال تغییر و تحولات عمده در دسته‌بندی‌های سیاسی و نظامی اروپا که بر اثر غلبه دیدگاه نظامی‌گری حاصل شده بود (لوکاس، ۱۳۷۲: ۳۶۰)، قدرت جدیدی در عرصه سیاست بین‌المللی ظهور یافت. این قدرت

نوظهور، آلمان بود که توانست با درایت صدراعظم خود، بیسمارک، ترکیب اتحادها و اتفاق‌های سنتی جهان را به هم بریزد و اوضاع اروپا و جهان را دگرگون سازد (لیتل فیلد، ۱۳۸۵: ۱۱۳). آلمان‌ها برای به‌دست‌آوردن مستعمرات در صدد تضعیف انگلیس، فرانسه و روسیه بودند؛ لذا برای اجرای طرح‌های خود با اتریش و ایتالیا اتحاد مثلث را به وجود آوردند (ماله، ۱۳۷۴: ۳۷۶-۳۷۵). سرانجام به‌هم‌خوردن ترکیب اتحادها و اتفاق‌ها منجر به جنگ جهانی اول شد. قدرت‌یافتن آلمان‌ها و نفوذ چشمگیر آنان در ایران و خاورمیانه باعث گردید که روس و انگلیس در ایران به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و با انعقاد قرارداد ۱۹۱۵م. ضمن حذف منطقه بی‌طرف و تقسیم مجدد ایران به دو منطقه نفوذ میان خود، از نفوذ آلمان‌ها و دیگر رقبا در ایران جلوگیری نمایند. در تمام مراحل اجرای این سیاست‌ها در سده نوزدهم و بیستم میلادی، کنسولگری‌ها نقش اساسی ایفا کردند و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گردیدند.

جایگاه کنسول و سرکنسول‌ها در قرن نوزدهم میلادی

در عصر جدید، کنسول عنوان فرستاده و مأمور یک دولت در شهر، بندر و یا منطقه‌ای در کشور دیگر بود که منافع بازرگانی و سیاسی اتباع کشور خود را در آنجا حفظ می‌کردند و به آن رونق می‌بخشیدند. خطاب کنسول در معنی یادشده از ۱۵۹۹م. و پس از رنسانس رواج یافت و از ۱۷۰۲م. مقر اقامت چنین فردی کنسولگری نام گرفت (رابینو، ۱۳۶۳: ۳). در سده نوزدهم میلادی، کنسول‌ها و سرکنسول‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند، آنان در واقع نماینده تام‌الاختیار دولت متبوع خود در شهرها و مناطق مأموریت خود محسوب می‌شدند. اوژن اوین سیاح فرانسوی، شیوه‌های کنسول‌ها برای احراز جایگاه سیاسی و اهمیت و مراتب آنان را در ساختار سیاسی دولت‌های اروپائی چنین توصیف کرده است:

این مأموران معمولاً افراد دوست‌داشتنی، مهمان‌نواز و تحصیلکرده هستند که شئونات و حیثیت اروپائیان را در میان ایرانیان خوب حفظ می‌کنند، نمایندگان رسمی روس و انگلیس در ایران غالباً مقام سرکنسول دارند و برای حفظ و بالابردن اهمیت مقامشان، معمولاً یونیفرم نظامی می‌پوشند و با اسکورتی مرتب از قزاقان یا سواران هندی در خیابان حرکت می‌کنند، کنسول‌های روس از اداره کل قسمت آسیایی روسیه و نمایندگان انگلیس که با عنوان کنسول در شهرهای تبریز، اصفهان و شیراز و به‌طور کلی در ایران مشغول فعالیت‌اند. از اداره کل سیاسی هندوستان دستور می‌گیرند. (اوین، ۱۳۶۸: ۱۱۴)

روزنامه زاینده‌رود اصفهان نیز در خصوص جایگاه و شأن کنسول‌ها و کنسولگری‌ها در این عصر آورده است:

موسیو پرابرا ژافسکی از طرف دولت بهینه روس به سمت جنرال کنسولگری اصفهان معین... و به اصفهان ورود نمود، قبلاً دسته‌ای از شاهزادگان و اعیان و تجاری که بستگی به آن دولت [روسیه] دارند به‌عنوان استقبال از صبح، بعضی به [روستای] گز و برخی به شمس‌آباد رفته ورود ایشان را انتظار داشتند... از طرف حکومت هم آقا میرزا علی‌اکبر خان سرتیپ توپخانه با عده‌ای سوار بختیاری و نیز معاونین تمام ادارات دولتی... معاون حکومت پیشکار مالیه، رئیس تشکیلات ژاندارمری و نماینده از طرف جنرال قنصل دولتی فخمه انگلیس با عده‌ای از سوارهای هندی و هیئتی از کشیش روانه به استقبال رفته از طرف حکومت جلیله پذیرایی به عمل آمد. (زاینده‌رود، ۱۳۳۲ق: شماره ۱۴).

از شواهد و قرائین می‌توان دریافت که کنسولگری‌ها و هیئت‌های سیاسی روس و انگلیس در ایران قدرت زیاد و شأن و جایگاه ویژه‌ای داشتند، همچنین بر سیاست‌های دولت ایران در سطح ملی و محلی اعمال نفوذ می‌کردند.

رقابت روس و انگلیس در تأسیس کنسولگری‌ها در ایران

تلاش دولت انگلیس برای ایجاد مراکز سیاسی به‌منظور ایجاد حریم امنیتی در خاک دیگر کشورها، در پی تحمیل اراده نظامی این دولت بر مناطق مختلف جهان به‌ویژه خلیج فارس و ایران صورت گرفت. به‌دنبال تحولات جهان در اواخر قرن نوزدهم میلادی و توسعه مستعمرات بریتانیا و برای حفظ منافع آنان در این مستعمرات، نهادهای متعدد و موازی با هم شکل گرفتند. کنسولگری‌ها یکی از همین نهادهای مهم بودند؛ زیرا از شیوه‌های اساسی نفوذ و حضور استعمارگران در دیگر کشورها، تأسیس کنسولگری‌ها بود؛ ازاین‌رو، در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، به‌خصوص سال‌های پایانی این قرن که رقابت روس و انگلیس در ایران شدت گرفت، آنان اولین اروپائینی بودند که اقدام به تأسیس کنسولگری‌هایی به‌سبک نوین در شهرهای مهم ایران نمودند (رابرت، [بی‌تا]: ۳۵۲). البته روس‌ها قبل از انگلیسی‌ها و بر اساس پیمان‌نامه ترکمانچای، حق تأسیس کنسولگری را در تمام نقاط ایران به دست آوردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۳۷: ۱۵۸۵-۱۵۸۴) و به‌تدریج اقدام به ایجاد کنسولگری در شهرها و بندرهای ایران نمودند. آنان در ۱۸۹۷م. یک کنسولگری کل در اصفهان و در ۱۹۰۱م. کنسولگری دیگری در بوشهر تأسیس کردند. همچنین مهندسان روس به‌منظور

احداث راه‌آهنی که خط آهن ماورای خزر را به خلیج فارس متصل کند، به نقشه‌برداری و مساحی ایران پرداختند (گریوز، ۱۳۸۷: ۱۳۸) و پس از آن خواستار تأسیس کنسولگری در بندرعباس شدند (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۴۴۵). ناگفته نماند، همان‌طور که روس‌ها پس از عهدنامه ترکمانچای اجازه یافتند در شهرهای ایران کنسولگری تأسیس کنند، انگلیسی‌ها نیز بعد از عهدنامه پاریس، تعداد زیادی از نمایندگان کنسولی خود را از لندن و کلکته روانه قلمرو ایران نمودند. انبوهی از افراد محلی را نیز به‌عنوان رابط و خبرنگار به خدمت گرفتند و به‌تدریج بین سال‌های ۱۸۷۸ تا ۱۹۰۹ م. کنسولگری‌های انگلیس در شهرهای استرآباد، بوشهر، کرمانشاه، محمره، مشهد، اصفهان، یزد، بندرعباس، شیراز، اهواز و اراک تأسیس شدند (رابینو، ۱۳۶۳: ۱۴۸-۱۳۷).

اهداف و کارکردهای تجاری کنسولگری انگلیس در اصفهان

تا قبل از سال ۱۸۹۹ م. که روس‌ها کمتر به فکر نفوذ در خلیج فارس بودند، انگلیسی‌ها در خصوص کنسولگری خود در اصفهان و دیگر مناطق مرکزی ایران، رویکردی تجاری را دنبال می‌کردند. این رویکرد به‌خوبی در سخنان دولتمردان آنان در این عصر مشهود است، چنانکه کرزن در این باره گفت: «با رقابت شدید تجاری که طوفان‌وار این روزها در سراسر جهان دیده می‌شود، ازدست‌دادن هر بازار، شکستی غیرقابل جبران و پیدا کردن بازار جدید افزایش تازه‌ای بر نیروی ملی ما است، بی‌اعتنایی در کار ایران یعنی ازدست‌دادن تجارتی که هم‌اکنون مایه ارتزاق هزاران نفر از هموطنان ما و افراد هندی است.» (کرزن، ۱۳۷۴: ۷۲۰) با اینکه انگلستان یکی از نخستین کشورهایی بود که متوجه چشم‌اندازهای تجاری ایران شد؛ اما روس‌ها پس از انعقاد قرارداد ترکمانچای موفق شدند از نظر تجاری بر انگلیسی‌ها در شمال و مرکز ایران برتری یابند. یکی از علل این برتری آن بود که روس‌ها برای اعمال نفوذ تجاری در مرکز کشور دست به تأسیس بانک استقراضی روس در شهرهای این منطقه از جمله اصفهان زدند. حمایت این بانک از تجارت روسیه باعث شد که تجارت اصفهان و همدان زیر سلطه و نفوذ روسیه قرار گیرد؛ بنا بر این، انگلیسی‌ها در این زمان کار دشواری داشتند که جای‌پایی در این منطقه برای خود باز کنند (اوبن، ۱۳۶۸: ۱۲۴). علت دیگر برتری، حمایت کنسولگری روسیه در اصفهان از تجار کشور خود بود.

در فهرستی که ناظری آلمانی تهیه کرده، به‌خوبی نشان داده است که در سال ۱۹۱۴ م. روسیه از نظر تجاری در ایران بر انگلیسی‌ها برتری داشت. طبق این گزارش، در آن سال، چهارده شرکت بریتانیایی و ۲۳ شرکت روسی در ایران فعال بودند و این شرکت‌ها علاوه بر

حمایت‌های دیپلماتیک (کنسولگری) دولت خود، از بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی در ایران نیز کمک‌های مالی دریافت می‌کردند (گریوز، ۱۳۸۷: ۵۰۲). در اسناد وزارت امور خارجه انگلیس در مورد رقابت اجناس روسی با انگلیسی در بازار اصفهان و نقش کنسولگری و بانک استقراضی در تفوق تجاری روس‌ها در آنجا آمده است:

در سال ۱۹۰۳م. سیلی از پارچه‌های اودسا به بازارهای اصفهان سرازیر شد و از سال گذشته نمایندگی شرکت تجاری لوتز روسیه در اصفهان دایر شده است. با توجه به اینکه شرکت لوتز هزینه بابت حمل‌ونقل نمی‌پردازد و از دولت و بانک روسیه تسهیلات مالی دریافت می‌کند، این شرکت می‌تواند کالاهای خود را در اصفهان با همان قیمت مسکو به فروش برساند. هر چند جنس کالاهای نخی و تزئینی آنها چندان مرغوب نیست، باز هم توانسته‌اند با کالاهای ما [انگلیس] رقابت کنند. (کمالی، ۱۳۹۰: ۲۴۳-۲۴۲)

در ادامه این اسناد آمده است: «با توجه به اطلاعات ناقصی که به دست آورده‌ام، طی دو سال گذشته واردات اصفهان از روسیه هشت تا ده برابر افزایش یافته است.» (همان: ۲۴۳) در همین اسناد راجع به برتری روس‌ها نسبت به انگلیسی‌ها در تجارت پنبه در اصفهان آمده است: «حدود سیصد هزار مَن پنبه از اصفهان به روسیه صادر شد. قیمت‌ها در آغاز سال ۱۹۰۵م. بیشتر بود؛ ولی به‌خاطر جنگ روسیه رو به کاهش گذاشت، چند سال پیاپی پنبه اصفهان تقریباً به‌طور کامل به روسیه صادر می‌شد و صادرات به بمبئی (هند) متوقف شده بود.» همچنین در اهمیت روزافزون مسئله حمل‌ونقل جنوب و علت رکود تجاری انگلیسی‌ها در اصفهان نیز آمده است: «تمام کسانی که علاقه‌مند به برتری تجاری بریتانیا در ایران هستند، می‌بایستی توجه داشته باشند تا زمانی که وسایل حمل‌ونقل ارزان و سریع در اختیار بازرگانان قرار نگیرد، از رونق تجارت بریتانیا روزبه‌روز کاسته خواهد شد. دلایل فوق علاوه بر سرازیر شدن پارچه‌های نخی روسیه به بازارهای اصفهان در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶م. تجارت بریتانیا را به رکود کشیده است.» (همان: ۲۵۳-۲۵۲).

اوژن اوبن در خصوص جایگاه اصفهان و یزد در تجارت روس و انگلیس و برتری تجاری روس‌ها نوشته است: «منطقه‌ای که زیر نفوذ [روس] شناخته شد، با اصفهان و یزد که در فعل‌وانفعالات بعدی تسری مناطق نفوذی به سرزمین‌های مزبور نیز مورد توجه است، جزء زیباترین استان‌های ایران به شمار می‌رود و زیر چتر تجارت روس‌ها درآمده بودند.» (اوبن، ۱۳۶۸: ۱۲۴). همچنین نایب‌السلطنه انگلیس در هند معتقد بود که بدون یزد و اصفهان، تجارت روسیه موقعیت تجاری انگلیس در جنوب ایران را تهدید خواهد کرد (ذوقی، ۱۳۷۰:

(۱۹۶-۲۰۱). در پی برتری تجاری روس‌ها بر انگلیسی‌ها در اصفهان و تضعیف منافع تجاری انگلیس در این شهر، لرد سالزبوری وزیر خارجه بریتانیا در صدد برآمد کنسولخانه انگلستان را در این شهر تأسیس کند (کرزن، ۱۳۷۴: ۵۲-۵۱). همچنین پیشنهاد گردید که توجه ویژه‌ای به ترمیم و امنیت راه‌های ارتباطی خلیج فارس به شمال ایران شود (همان: ۶۷۸-۶۷۷)؛ بنا بر این، انگلیسی‌ها برای تقویت موضع تجاری خویش در اصفهان، علاوه بر تأسیس کنسولگری، راه‌های ارتباطی جنوب به اصفهان را ترمیم کردند. یکی از این راه‌های مهم، راه لینچ بود که شرکت تجاری برادران لینچ با مشارکت خوانین بختیاری احداث کردند (گارثویت، ۱۳۷۹: ۱۱۷). از دیگر اقدامات مؤثر در تقویت مواضع تجاری انگلیس در اصفهان، تأسیس بانک شاهنشاهی در این شهر بود (ذوقی، ۱۳۷۰: ۱۹۶). دولت انگلیس پس از این اقدامات، به تدریج در منطقه مرکزی و جنوبی ایران از نظر تجاری بر روس‌ها تفوق یافت. آنان در اصفهان موقعیت ویژه‌ای پیدا کردند، این شهر از نظر اقتصادی بستر عملیات اتباع آن کشور محسوب گردید (آبادیان، ۱۳۶۷: ۱۱۶) و موقعیت تجاری انگلیسی‌ها در آنجا به تدریج پس از سال ۱۹۰۷ م. تقویت شد.

کرزن نیز در مورد تأثیر تأسیس کنسولگری و حمایت آن از تجارت انگلیس نوشت: «فعالیت تجاری انگلیس از زمانی که زیر چتر حمایت کنسولگری و بانک شاهنشاهی درآمد، در مقابل وضعیت تجاری روس‌ها در این منطقه تقویت گردید و تقویت انگلستان از نظر تجاری در سراسر کرانه شمالی خلیج فارس از گواتر تا محمره و در شهرهای داخلی تا حدود اصفهان عاملی در میزان نفوذ ما در ایران می‌باشد.» (کرزن، ۱۳۷۴: ۷۴۲) وی همچنین معتقد بود: «[در این زمان] بازرش‌ترین قسمت واردات [به اصفهان] از هند و انگلستان است» و در ادامه نوشت: «معاملات کلی چنانکه باید اعتراف نمود، به وسیله مؤسسات تجاری انگلیس در اصفهان صورت می‌گیرد که فعالیت خوشایند آنها در این منطقه جبران وضع راکدی است که در آسیای مرکزی دیده می‌شود.» (همان: ۵۳-۵۲) در باره نقش و جایگاه کنسولگری‌ها در تقویت منافع تجاری انگلیس در ایران و نقش لرد کرزن در آن آمده است: «حاجت به بیان نیست که در زمان تصدی مقام نایب‌السلطنگی هندوستان توسط لرد کرزن همیشه حکومت هند ازدیاد منافع را در ایران تحت نظر قرار می‌داد. به همین سبب، کنسولگری‌های جدیدی در ایران تأسیس نموده و با تمام وسایل ممکنه تجارت بریتانیا را ترویج نمود و از آن پشتیبانی می‌نمود.» (سایکس، ۱۳۶۶: ۵۴۵) آنچه از قرائن و شواهد به دست می‌آید، شهر اصفهان از نظر تجاری جایگاه ویژه‌ای برای دولت‌های روس و انگلیس داشت، به طوری که در این خصوص

آمده است: «هر چند اصفهان در حال انحطاط طبیعی است، هنوز دومین مرکز تجاری ایران بعد از تبریز است و منچستر کماکان پارچه‌های بازار اصفهان را تأمین می‌کند و اینکه این شهر حد نهایی کمال تفوق غیرقابل انکار تجارت انگلستان است و این برتری نفوذ تجاری، هم مورد اعتماد و هم رو به افزایش است.» (کرزن، ۱۳۷۴: ۵۲-۵۱)

کنسولگری‌ها در زمینه تجاری، فعالیت رقبای خود را دقیق زیر نظر داشتند و یکی از وظایف مهم آنها جمع‌آوری اطلاعات تجاری از رقبا بود (کمالی، ۱۳۹۰: ۳۶۶). آنان همچنین از منافع تجاری تجارتخانه‌های کشور متبوع خود همواره دفاع می‌کردند. برای مثال در برخی گزارش‌ها و اقدامات کنسولگری‌ها آمده است: «سرقنسول انگلیس در اصفهان به خوانین [بختیاری] یادآوری نموده است که دسته‌های بختیاری مسئول خسارات وارده به تجارتخانه انگلیس خواهند بود.» (کتاب آبی، ۱۳۷۵: ۲۴). همچنین در اسناد وزارت خارجه انگلیس آمده است که سرکنسول انگلیس در اصفهان اذعان داشت نباید از این مسئله غافل بود که برخی از واردکنندگان داخلی که بی‌واسطه از امپراتوری بریتانیا کالا وارد می‌کنند و صاحب نمایندگی بریتانیا هستند، تا چه اندازه در رونق تجارت ما مؤثر بوده‌اند. وی در خصوص رقابت کالاهای روس و انگلیس گفت که بر اساس موثق‌ترین اطلاعات به‌دست‌آمده معلوم می‌شود که در ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳م. واردات پارچه منچستر به اصفهان نسبت به سال‌های گذشته رشد درخور ملاحظه‌ای داشته است. با این حال نمی‌دانم آیا توانسته‌ایم موقعیت خود را همچنان حفظ کنیم، هر چند رقبای روس می‌توانند در مورد پارچه‌های مخملی و ترکی و نیز کالاهای نامرغوب خود با ما رقابت کنند. تا آنجا که می‌دانم با وجود تمام حمایت‌هایی که روس‌ها از تولیدکنندگان و واردکنندگان خود می‌کنند، باز هم نمی‌توانند در مورد پارچه‌های سفید و خاکستری از ما پیشی بگیرند. از سوی دیگر، با فراهم‌آوردن حمل‌ونقل سریع و ارزان خیالمان از بابت موفقیت تجاری در این منطقه (اصفهان) آسوده می‌شود، چه‌بسا امید خود را در مورد تجارت از دست‌رفته در بازارهای شمالی را هم به دست آوریم (کمالی، ۱۳۹۰: ۲۴۴). لازم به توضیح است که تمام دستورالعمل راجع به تحقیق و تجارت در ایران بر عهده کنسول‌ها بود و حتی میسیون‌ها هم در این باب تابع کنسول‌ها بودند. (میرزا رضا مهندس، ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۳۰)

اهداف و کارکردهای سیاسی کنسولگری انگلیس در اصفهان

تا قبل از توجه روس‌ها به خلیج فارس، کنسولگری انگلیس در مناطق مرکزی از جمله اصفهان، غالباً رویکردی تجاری داشت، به‌طوری که گاهی این کنسولگری‌ها را بیشتر شبیه به

بنگاه‌های معاملات تجاری توصیف کرده‌اند؛ اما از زمانی که روس‌ها به‌طور جدی تصمیم به نفوذ در خلیج فارس و بندرهای جنوبی ایران گرفتند، انگلیسی‌ها چون منافع خود در هندوستان را با خطر مواجه دیدند، تغییر رویه داده و علاوه بر حصول اهداف تجاری، رویکرد سیاسی را نیز در کنسولگری اصفهان مدنظر قرار دادند. آنان همچنین موقعیت سیاسی خود را در مناطق مرکزی از جمله اصفهان و یزد تقویت کردند. رویکرد سیاسی کنسولگری انگلیس در اصفهان را می‌توان حول این دو محور بررسی و تبیین نمود: الف) گستره‌جویی روسیه در مناطق جنوبی ایران و واکنش کنسولگری انگلیس به آن؛ ب) جایگاه اصفهان در تقابل سیاسی کنسولگری روس و انگلیس در قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵م.

الف. گستره‌جویی روسیه در مناطق جنوبی ایران و واکنش کنسولگری انگلیس

روس‌ها با تأسیس کنسولگری خود در بصره عراق در سال ۱۸۸۱م. توجهشان به خلیج فارس را نشان دادند و در همین راستا در ۱۸۸۷م. با اعزام کاپیتان فونیلومور^۱ قزاق جهت بازدید از اصفهان، شیراز و بوشهر حساسیت انگلیسی‌ها را به اقدامات خود برانگیختند (جناب، [بی‌تا]: ۱۱۵-۱۱۴)؛ از این‌رو، روس‌ها برای کاهش حساسیت انگلیسی‌ها سعی کردند بعد از آن، به‌دور از هرگونه خودنمایی، کاملاً تدریجی و بدون کمترین جلب‌توجه، آهسته و نرم به مناطق جنوبی ایران نفوذ کنند. ابتدا در سال ۱۸۹۷م. قبل از بوشهر، در اصفهان کنسولگری تأسیس کردند و سپس با اعزام بازرسان خود از این کنسولگری به مناطق جنوبی ایران، چگونگی تأسیس کنسولگری خود در بندرهای خلیج فارس را بررسی نمودند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۹۸). به گزارش منابع تاریخی، نخستین اقدام جدی و هدفمند روس‌ها در این خصوص، اعزام سه نفر مأمور، کنسول روس در اصفهان با دو قزاق در تابستان ۱۸۹۹م. برای بررسی‌های اولیه در مورد تأسیس کنسولگری بوشهر بود. نماینده سیاسی انگلیس مقیم بوشهر که مراقب تحرکات روسیه در مناطق جنوبی بود، گزارش بازدید مأموران روس از بوشهر را به هاردینگ^۲، وزیرمختار انگلیس داد. هاردینگ نیز در جواب به وی تلگراف کرد که باید مراقب حرکات او و دیگر روس‌ها در بندرهای خلیج فارس باشد (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۴۱۳). در نهایت، روس‌ها در سال ۱۹۰۱م. کنسولگری خود را در بوشهر تأسیس کردند (گریوز، ۱۳۸۷: ۱۳۸). ناگفته نماند که مجاورت ایالت فارس با آبراه خلیج فارس و پیوستگی آن با اقیانوس هند موقعیت ویژه‌ای به این ایالت بخشیده بود (حاجیان‌پور و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۳)؛

^۱. Foonilomour

^۲. Harding

بنا بر این، ناخواسته ایالات جنوبی کشور از جمله فارس و بوشهر نیز در اواخر دوره قاجار میدان رقابت‌های بین‌المللی شده بودند.

اغلب گزارش‌ها از اواخر قرن نوزدهم میلادی حاکی از این است که روس‌ها در صدد بودند از دو طریق به هند برسند: اول، از راه افغانستان؛ دوم، از راه ایران. آنان در ایران دو مسیر را مدنظر داشتند: نخست، مسیر جنوب شرق یعنی سیستان و بلوچستان؛ دوم، از مرکز به جنوب یعنی مسیر تهران- اصفهان- شیراز به بندرهای جنوبی ایران. لذا اندیشه دستیابی به ایران نیز جهت رسیدن روسیه به سرزمین هند از دو مسیر هرات- افغانستان و خلیج فارس بود (کتاب نارنجی، ۱۳۶۴: ۳). در سال‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی، روس‌ها اهمیت ویژه‌ای برای خلیج فارس و بندرهای جنوبی ایران قائل بودند و نیکیتین^۱، کنسول روس در ایران در این باره گفته بود: «در آغاز آن قرن [بیستم] دولت روسیه به هوس افتاد مدلل کند که خلیج فارس شکارگاه قرقی نیست که نفع آن فقط به بریتانیای کبیر عاید گردد و به‌همین علت بود که کنسولخانه بوشهر [و بندرعباس] تأسیس یافت و باز به‌همین علت بود که یک سرویس بحری منظم بین ادسا و بوشهر ایجاد شد.» (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۴۱۸). آنچه از قراین و شواهد پیداست، روس‌ها پس از آنکه پی به اهمیت خلیج فارس بردند، برای دستیابی و تسلط بر آن، علاوه بر تأسیس کنسولگری‌های خود در بندرهای خلیج فارس، مهم‌ترین اقدام را ایجاد راه‌آهن و راه شوسه از شمال به جنوب ایران می‌دانستند. آنان در همین راستا در سال‌های اولیه قرن بیستم میلادی تلاش کردند تا راه‌آهن روسیه را از طریق آذربایجان، اصفهان و شیراز به خلیج فارس متصل کنند و هم‌زمان در همین مسیر، راه شوسه ایجاد نمایند (حسن‌نیا، ۱۳۹۱: ۴۵). به‌همین منظور، هیئتی زیر پوشش «هیئت جغرافیایی» برای بررسی بهترین مسیر راه‌آهن از روسیه به سواحل جنوبی ایران گسیل شد (جناب، [بی‌تا] : ۱۲۱-۱۱۲). علاقه‌مندی و توجه روس‌ها به نفوذ در مناطق جنوبی کشور به‌جهت تسلط بر خلیج فارس و نزدیکی به هند، حساسیت انگلیسی‌ها را در پی داشت و این حساسیت و دل‌نگرانی در اغلب گزارش‌ها، تلگراف‌ها و مکاتبات دولتمردان انگلیسی دیده می‌شود؛ اما این حساسیت را جرج کرزن بیش از هر سیاستمداری بیان کرده است. وی در گزارشی چنین آورده است:

اشتهای حکومت تزاری در کار جهانگیری فقط به همان سامان و نواحی محدود نمی‌شود و چون به حد کافی از دست‌اندازی به نیمی از غنایم ایران در شمال خشنود نیست، نظری

^۱. Nikitin

هم به جانب جنوب دارد و آرزومند یافتن راهی به خلیج فارس و اقیانوس هند است... این منظور هم به یکی از دو طریق قابل حصول است، یا باید روس با عثمانی گلاویز شود و بغداد را تصرف کند و یا از راه ایران خود را به خلیج فارس برساند. از این دو شق، دومی بیشتر مایه امیدواری است و خطر کمتری دارد (کرزن، ۱۳۷۴: ۷۱۱).

کرزن در ادامه با حساسیتی دوچندان گفته است: «نظریاتی که اظهار کرده‌ام، راجع به نقشه‌های روسیه در باره خلیج فارس دوچندان وارد است و در این مورد، هر حکومتی در انگلستان مکلف خواهد بود که از لحاظ منافع انگلیس اعتراض کند و هیچ‌گونه دلیل و برهان حتی قوی‌ترین فرد سفسطه‌پرداز قادر نیست که چنین پیشامدی را موجه نماید. صیانت هند که عالی‌ترین وظیفه بریتانیا است و صلح انگلیسی که اکنون در دریاها و جنوبی حکم‌فرماست و فقدان هرگونه منافع روس در امتداد سواحل خلیج فارس، دلایل مستحکمی علیه چنین مقصد و خیالی می‌باشد.» (همان: ۷۱۸) به اعتقاد گریوز^۱، قاطع‌ترین سخن در باره سیاست انگلیس راجع به نفوذ روسیه در خلیج فارس، اظهارات لندزدوان^۲ در مجلس عوام بود. او در این مورد گفته است: «ما باید استقرار هر پایگاه دریایی یا هر بندر دارای استحکامات نظامی در خلیج فارس توسط هر قدرت دیگر را تهدیدی بسیار مهم برای منافع بریتانیا بدانیم و با هر وسیله‌ای که در اختیار داریم، با استواری در برابرش مقاومت کنیم.» (گریوز، ۱۳۸۷: ۴۱۸) در گزارشی دیگر مربوط به قرن نوزدهم میلادی نیز، حساسیت انگلیسی‌ها به منافع خود در خلیج فارس به‌خوبی مشخص شده است: «موقعیت ما در خلیج فارس چه از نظر تجاری و چه از لحاظ سیاسی همیشه دارای یک ماهیت ویژه بوده است و دولت پادشاهی بریتانیا اصل تفوق و برتری در خلیج فارس را اساس و زیربنای سیاست خود قرار داده است؛ چرا که منافع تجاری، اقتصادی [و سیاسی] ما در خلیج فارس از همه کشورهای دیگر بیشتر می‌باشد.» (ذوقی، ۱۳۷۰: ۳۱)

شایان ذکر است که انگلیسی‌ها همواره برای حوزه خلیج فارس، سفیر منصوب می‌کردند و این امر گواه اهمیت خلیج فارس برای آنان بود. همان‌طور که گفته شد، روس‌ها برای رسیدن به خلیج فارس علاوه بر تأسیس کنسولگری در شهرهای مرکزی و جنوبی ایران، توجه خاصی به ایجاد راه‌های شوسه و آهن نشان دادند. آنان برخلاف انگلیسی‌ها که برای حمل کالا و ارتباط در داخل ایران و به‌خصوص بندرهای جنوبی اغلب متوجه رودخانه‌ها و آبراه‌ها بودند، فقط به جاده‌ها توجه داشتند (گریوز، ۱۳۸۷: ۴۹۳). سایکس به‌خوبی علاقه‌مندی روس‌ها را به ایجاد راه‌آهن بیان کرده و گفته است: «شکی نیست که روسیه شایق ساختن راه‌آهن سرتاسری ایران بود. شخص

^۱. Graves

^۲. Lendsdovan

تزار به این کار مانند راه‌آهن سرتاسری سیبری علاقه نشان می‌داد و محافل نظامی هم به امید دسترسی به بندرعباس یا چابهار به این امر تمایل می‌نمودند.» (سایکس، ۱۳۶۶: ۷۳۴) علاقه‌مندی روس‌ها در ایجاد و اتصال راه‌آهن روسیه به ایران چنان آشکار بود که استرنبورگ، نماینده آلمان در هندوستان نیز از آن پرده برداشته است: «روسیه ناچار است بندری در آنجا [خلیج فارس] داشته باشد و آن را به شبکه راه‌آهن ماورای قفقاز خود متصل سازد و این به‌معنای ضربه مهلکی به هندوستان است.» (گریوز، ۱۳۸۷: ۴۱۵)

همه تلاش بریتانیا در سال‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی و پس از آن، معطوف به سدکردن نفوذ روسیه به‌سوی جنوب ایران و خلیج فارس بود (ذوقی، ۱۳۷۰: ۳۰). انگلیسی‌ها در مقابل توسعه‌طلبی روس‌ها در خلیج فارس و اقیانوس هند، تدابیر ویژه‌ای اندیشیدند و به دو شیوه برای جلوگیری از نفوذ آنها به این منطقه روی آوردند: نخست، در مقابل طرح ایجاد و اتصال راه‌آهن ایران و روسیه در صدد برآمدند که راه‌آهن اروپا را از طریق عثمانی به ایران متصل نمایند (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۳۸۴)؛ دوم، در تقابل با تصمیم روس‌ها به ساخت راه شوسه شمال- جنوب در مسیر تهران، اصفهان، شیراز، بوشهر یا بندرعباس در صدد برآمدند که علاوه بر تسلط خود بر راه‌های جنوبی ایران، در مناطق مرکزی اصفهان و یزد نیز کمربندی ایمنی به وجود آورند؛ همانند آنچه در جنوب شرق ایران یعنی سیستان و بلوچستان و کرمان ایجاد کردند. در جای‌جای گزارش‌های دولتمردان انگلیسی در اواخر قرن نوزدهم میلادی به لزوم ایجاد کمربند دفاعی مذکور اشاره گردیده است: «اگر پای روسیه به خلیج فارس برسد، دست انگلیس یکباره از ایران کوتاه خواهد شد؛ ازاین‌رو، لازم است خطی را تعیین کنیم که به روس‌ها اجازه تجاوز از آن داده نشود. رابرتسون^۱ پیشنهاد می‌کند که چنین خطی را می‌توان از وسط ایران کشید بین سیستان و از راه کرمان و یزد و اصفهان تا برسد به کرمانشاه.» (همان: ۳۸۰) در راستای ایجاد کمربند دفاعی منطقه مرکزی ایران، هاردینگ انگلیسی پیشنهاد کرد که انگلیس با ایلات بختیاری و عرب و دیگر عشایر جنوب غربی ایران هم‌دست شود، آنها را با حکومت اصفهان متحد سازد و نگذارد که روسیه به‌سوی قسمت جنوبی این مملکت پیشروی کند (همان: ۳۸۵).

ب. جایگاه اصفهان در تقابل سیاسی کنسولگری روس و انگلیس در قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵م.

چرا شهر اصفهان برای دولت روس و انگلیس اهمیت داشت؟ عوامل متعددی در اهمیت یافتن اصفهان برای دولت‌های اروپائی به‌ویژه دولت‌های مذکور دخیل بوده‌اند، از آن

^۱. Robertson

جمله می‌توان گفت که اصفهان علاوه بر موقعیت استراتژیک که ناشی از قرارگرفتن در کریدور شمال- جنوب کشور بود، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر منطقه مرکزی ایران نیز محسوب می‌گردید و به همین علت در نظر دولت روس و انگلیس اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشت. بر اساس شواهد و قرائن درمی‌یابیم که هر کدام از این دو دولت در سال‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی و پس از آن، در تلاش بودند که بر این شهر مهم تسلط یابند. وزیرمختار انگلیس در تهران در خصوص اهمیت و جایگاه اصفهان گفت: «روسیه با دراختیارداشتن اصفهان و نواحی جنوبی آن که شامل قسمتی از منطقه بختیاری می‌شود، موجبات دردسرهای فراوان را برای انگلستان فراهم خواهد آورد که حتی قابل پیش‌بینی نیستند.» (ذوقی، ۱۳۷۰: ۲۱۳) روس‌ها نیز به خوبی جایگاه اصفهان را برای نفوذ بر مناطق جنوبی دریافته بودند، چنانکه سازونف^۱ روسی در ملاقات با سر چارلز مارلینک^۲ در پتروگراد، مصرانه بر الحاق اصفهان و حوالی آن به قلمرو نفوذ روسیه در قرارداد ۱۹۰۷م. پافشاری کرد (گارثویت، ۱۳۷۹: ۲۱۱). انگلیسی‌ها در ادامه تلاش خود برای کوتاه کردن دست روس‌ها و مناطق همجوار آن از منطقه اصفهان و بختیاری حاضر شدند امتیازات فراوانی به روس‌ها بدهند؛ از جمله مسئولان امور خارجه بریتانیا تا آن حد توجه خود را به اصفهان و حومه آن (بختیاری) معطوف داشتند که حتی پیشنهاد کردند در قبال انضمام اصفهان و حومه آن به قلمرو نفوذ بریتانیا، «نواحی نفت‌خیز اطراف کرمانشاه که متعلق به کمپانی ایران و انگلیس است و در حال حاضر کم‌وبیش در حالت و وضعیت توسعه‌نیافته‌ای قرار دارد، به روسیه واگذار شود.» (ذوقی، ۱۳۷۰: ۲۱۴)

پس از این دوره از رقابت‌های فشرده و حساس بود که به تدریج در سال‌های آغازین سده بیستم میلادی، انگلیس و روسیه بعد از مدت‌ها کوشش برای برتری بر یکدیگر، بالاخره در سال ۱۹۰۷م. به سازشی دست یافتند که می‌توانست مقدمه‌ای برای تقسیم ایران باشد (رونوون، ۱۳۷۰: ۳۱۱)، به طوری که بر اساس این قرارداد، ایران به دو منطقه نفوذ و یک منطقه بی طرف در مرکز تقسیم می‌شد. انعقاد این قرارداد توانست موقتاً رقابت بین این دو کشور را مرتفع سازد (لنزوسکی، ۱۳۵۳: ۱۶۹). طبق قرائن و شواهد، علل و عوامل مهم به تفاهم رسیدن روس و انگلیس در انعقاد این قرارداد عبارت بودند از: الف) شکست روسیه از ژاپن در سال ۱۹۰۵م. و تضعیف موقعیت داخلی و بین‌المللی تزارها (سایکس، ۱۳۶۶: ۵۸۱-۵۸۰؛ ب) ناکام ماندن انگلیس در بهره‌مندی از امتیازات رویتر و رژی در ایران؛ ج) از همه مهم‌تر، ظهور قدرت جدیدی به نام آلمان در رقابت‌های بین‌المللی که برای تقویت جایگاه خود در پی

^۱. Sazonov

^۲. Sir Charles Marling

تهدید منافع استعماری انگلیس و روس بود (گریوز، ۱۳۸۷: ۴۲۱-۴۲۰). آلمان‌ها تقریباً از اواخر قرن نوزدهم میلادی، بعد از روسیه و انگلستان به‌عنوان رقیب امپریالیستی در افق سیاست بین‌المللی نمایان شدند (لنزوسکی، ۱۳۵۳: ۱۶۸). همان‌طور که اشاره شد، رقابت قدرت‌های استعماری در ایران، ریشه در دسته‌بندی‌های سیاسی اروپائی داشت و مسئله ایران نبود، به‌طوری که برخی معتقدند، در مذاکراتی که به توافقنامه ۱۹۰۷م. انجامید، دل‌نگرانی‌های اروپائی بر سایر مسائل سایه می‌افکند و حتی دفاع از هند یا منافع اقتصادی در اولویت‌های بعدی جای داشت (رونون، ۱۳۷۰: ۲۵۰). هارولد نیکولسون^۱ انگلیسی نیز معتقد بود: «قرارداد انگلیس- روسیه (۱۹۰۷م.) فقط به‌خاطر ایجاد توازن قدرت در اروپا بسته شده است.» (گریوز، ۱۳۸۷: ۴۲۱-۴۲۰)

بر اساس قرارداد ۱۹۰۷م. خط منطقه نفوذ روس‌ها از قصر شیرین شروع می‌شد و پس از عبور از اصفهان، یزد و خواف در منطقه‌ای که مرز ایران و افغانستان با روسیه یکدیگر را قطع می‌کردند، خاتمه می‌یافت (سایکس، ۱۳۶۶: ۵۸۳). شهر اصفهان در این قرارداد در منطقه نفوذ روسیه قرار گرفته بود و تقریباً آخرین منطقه جنوبی تحت نفوذ روسیه محسوب می‌شد. بخش دیگری از ایران واقع در جنوب شرق، خط بندرعباس-کرمان- بیرجند و گازیک در مرز ایران و افغانستان به‌سوی شرق بیرجند (سیستان)، منطقه نفوذ دولت انگلیس بود (براون، ۱۳۳۷: ۶۴) و منطقه سوم به‌اصطلاح بی‌طرف که در میان دو منطقه نفوذ قرار داشت (افشار یزدی، ۱۳۷۸: ۱۱۴). از نکات درخور توجه قرارداد این بود که هر دو قدرت، استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت شناخته بودند (سایکس، ۱۳۶۶: ۵۸۲). در ضمن، دو دولت انگلیس و روس متعهد می‌شدند که در مناطق نفوذ یکدیگر در پی حصول امتیاز و بهره‌برداری‌های اقتصادی، سیاسی و... نباشند (نزیو، ۱۳۵۹: ۱۸۶).

با آغاز جنگ جهانی اول و نفوذ روزافزون آلمان‌ها در ایران، به‌خصوص در منطقه بی‌طرف ایران و اصفهان، دولت‌های روس و انگلیس برای سدکردن راه نفوذ آنها اقدام مشترکی را شروع کردند؛ با این حال، همچنان موقعیت آلمان‌ها در سال ۱۹۱۵م. بسیار مستحکم بود. آنها در اصفهان، کرمانشاه، شیراز و تهران نفوذ فوق‌العاده‌ای کسب کرده بودند (ذوقی، ۱۳۷۰: ۱۴۹). پس از گسترش نفوذ آلمان‌ها به اصفهان و حومه آن، این شهر اهمیت ویژه‌ای یافته بود؛ لذا انگلیسی‌ها به این باور رسیدند که وجود منطقه‌ای بی‌طرف و خارج از سلطه آنها منافعشان را در خاورمیانه و هندوستان به خطر می‌اندازد. در این باره، یکی از دولتمردان انگلیسی معتقد بود:

^۱. Harold Nicolson

«برای ما غیرممکن است که اجازه دهیم منطقه بی طرف در هرج و مرج و ناامنی و در حال بحران باقی بماند.» (همان: ۲۰۵) انگلیسی ها برای راضی کردن روس ها به الغای قرارداد ۱۹۰۷ م، انعقاد قرارداد جدید ۱۹۱۵ م. و تقسیم منطقه بی طرف بین خود مجبور شدند با واگذاری قسطنطنیه و بغازها به روسیه موافقت کنند (مورخ الدوله، ۱۳۶۲: ۹۱).

بنا به اهمیت شهر اصفهان و امکان تسلط کامل آلمان ها بر آن، دولت روس و انگلیس تلاش کردند که این شهر را به منطقه نفوذ خود الحاق نمایند. طی گزارشی در این خصوص آمده است: «دو مسئله عمده مورد مذاکره بین دولتین [در خلال قرارداد ۱۹۱۵ م.] یکی رسیدگی به درخواست روسیه برای گسترش نفوذ خود در نواحی مجاور شهرهای اصفهان و یزد بود» و دیگری اینکه همان گونه که حکومت هندوستان خواسته است، شهرهای یزد و اصفهان و کرمانشاه باید به منطقه نفوذ انگلیس افزوده شوند، «اصفهان برای ما حائز اهمیت فوق العاده است و اگر نتوان اصفهان و کرمانشاه را به قلمرو خود اضافه نماییم، باید حداقل خط مرزی منطقه نفوذ بریتانیا از غرب اصفهان بگذرد.» (ذوقی، ۱۳۷۰: ۲۰۱-۱۹۶).

انگلیسی ها در ابتدا و تا قبل از جنگ جهانی اول به تلاش خود برای تحکیم کمربند دفاعی منطقه مرکزی ایران در جهت جلوگیری نفوذ روس ها به جنوب ایران و خلیج فارس ادامه دادند؛ اما پس از آن و به علت ظهور قدرتمند آلمان که در خلال جنگ جهانی اول در صدد بود با نفوذ در منطقه بی طرف مورد اشاره قرارداد ۱۹۰۷ م. بر خلیج فارس و هند تسلط یابد، انگلیس و روس به یکدیگر نزدیک شدند و با لغو قرارداد ۱۹۰۷ م، انعقاد قرارداد ۱۹۱۵ م. و تقسیم منطقه بی طرف بین خود توانستند از نفوذ آلمان ها به مناطق مورد نظرشان جلوگیری کنند؛ لذا با انعقاد قرارداد جدید، حساسیت انگلیسی ها در مورد گسترش نفوذ روس ها در جنوب ایران و خلیج فارس نیز کاهش یافت (گارثویت، ۱۳۷۹: ۱۴).

سرانجام با بروز انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ م. روسیه و تضعیف موقعیت بین المللی آن دولت و مشکلات داخلی آنان، خیال انگلیسی ها از بابت نفوذ روس ها به خلیج فارس و هند آسوده شد. البته بار دیگر، در خلال جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط روس و انگلیس، مناطق نفوذ و کمربند امنیتی مذکور مورد توجه دو دولت اشغالگر قرار گرفت. شایان ذکر است که بیشترین فعالیت در انعقاد این قراردادها و الحاق شهر اصفهان به هر یک از دو دولت، بر عهده کنسولگری ها بود؛ چنانکه در گزارش های اسناد وزارت خارجه روس و انگلیس به تلاش این کنسولگری ها اشاره شده است.^۱

۱. در این زمینه بنگرید به: "کتاب آبی و نارنجی" که در صفحات متعدد آن مطرح شده است.

سایر اهداف و کارکردهای کنسولگری انگلیس در اصفهان

کنسولگری‌های انگلیس و روس در اصفهان، علاوه بر رویکرد تجاری-سیاسی، اهداف دیگری را نیز مدنظر داشتند؛ از جمله اهداف فرهنگی-مذهبی را در این شهر پیگیری می‌کردند، به‌رغم برقراری مبادلات تجاری، به‌دنبال مصالح سیاسی و فرهنگی هم بودند و کنسولگری‌ها علاوه بر حمایت از تجارت کشور خود به فعالیت‌های سیاسی، جاسوسی، فرهنگی و مذهبی نیز مشغول بودند (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۳۹۶-۳۹۵). یکی از فعالیت‌های مهم کنسولگری‌ها از جمله کنسولگری انگلیس در ایران، حمایت و دفاع از اتباع و مستخدمان خود بود

برای نمونه، در کتاب آبی در این باره چنین آمده است: «چون که جمعیتی از ایرانیان مزاحم و دخالت بر کارهای معلمین مدرسه دعاه (مسیحی) می‌نمودند، دکتر اکتور^۱ چهار نفر از مستخدمین قنصلخانه [انگلیس] در اصفهان را به مدرسه فرستاد رفع زحمت آن‌ها را نمودند.» (کتاب آبی، ۱۳۷۵: ۱۲۸) از دیگر کارکردهای کنسولگری‌های انگلیس، اداره مستقیم برخی از درمانگاه‌های دولت انگلیس در اصفهان و دیگر شهرها بود. در این خصوص نیز آمده است: «دکتر میناس استفان پیتر^۲، نایب‌کنسول انگلیس در اصفهان و رئیس درمانگاه وابسته به کنسولگری اصفهان از ۱۷ تا ۳۱ مارس ۱۹۲۳ بود.» (روبینو، ۱۳۶۳: ۲۰). از دیگر وظایف مهم کنسولگری‌ها، فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی در کشور میزبان بود؛ مانند خرید نسخ خطی، اسناد، اشیاء و سکه‌های تاریخی (سایکس، ۱۳۶۳: ۱۱۴). در گزارش کنسول انگلیس مقیم اصفهان، در مورد فعالیت‌های مذهبی و حمایت‌های کنسولگری اصفهان از مبلغان مسیحی در ایران آمده است: «هم‌اکنون آقای استوارت^۳ کشیش مقیم اصفهان اطلاع داد که هیچ‌گونه علامت ضدیتی با دعاه [مبلغان مسیحی] انگلیس دیگر موجود نیست و بدون هیچ تصدیعی مدارس و مریضخانه ایشان مفتوح و در جریان می‌باشد.» (کتاب آبی، ۱۳۷۵: ۵۴) در گزارشی دیگر در همین خصوص آمده است: «قابل ملاحظه است که هیئت مبلغین کلیسا در اصفهان مدرسه شبانه‌روزی بر طبق مدارس عمومی انگلستان دایر کرده‌اند» که مورد حمایت کنسولگری بریتانیا بود (سایکس، ۱۳۶۶: ۷۴).

همچنین کنسولگری انگلیس و روس در ایران، دخالت و نفوذ فراوانی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مردم داشتند، چنانکه این کنسولگری‌ها در وقایعی همچون نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه و عزل و نصب حکام ایالات، نقشی فعال ایفا می‌کردند؛ برای مثال در

^۱. Acteur

^۲. Minas Stephane Peter

^۳. Stewart

اسناد وزارت امور خارجه روسیه در خصوص تلاش کنسولگری‌های انگلیس و روس در اصفهان برای منصرف کردن سردار اسعد بختیاری از فتح تهران در مشروطه چنین آمده است: «مذاکرات بین سردار اسعد و کنسول‌های روس و انگلیس در قم بی‌نتیجه مانده، کنسول‌ها پس از به‌کاربردن تمام مساعی برای متقاعد کردن سردار اسعد به بازگشت، به اصفهان مراجعت کردند.» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۴: ۲۳۲) مهم‌ترین کارکرد جانبی کنسولگری‌ها در ایران از ابتدای تأسیس، فعالیت جاسوسی و کسب اخبار از اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی بود. اغلب جاسوسان آنها در لباس روحانیت یا پزشک در مناطق مختلف فعالیت می‌کردند. این امر چنان مشهود است که برخی بر این باورند که تأسیس کنسولگری‌های روس و انگلیس جزئی از بازی مخفیانه سیاسی و جاسوسی آنها بود (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۳۸۸). در مجموع، کنسولگری‌های روس و انگلیس در ایران و به‌ویژه در شهر اصفهان از هر فرصتی برای نفوذ در لایه‌های اجتماعی و مذهبی این شهر استفاده می‌کردند. روزنامه زاینده‌رود اصفهان در این باره نوشته است:

به مناسبت قضیه هایل هعظیمه رحلت مرحوم آقای نجفی اعلی‌الله مقامه، یک هفته داکین و بازارها... ادارات دولتی، بانک‌ها و تجارتخانه‌های خارجه بسته... و بانک استقراضی دسته معظمی از چهارسوق و لنبان تشکیل داده... همچنین از طرف سپاهیان هندی و اتباع دولت انگلیس [کنسولگری]... احساسات همدردی بروز داده در این مصیبت با مسلمانان اظهار شراکت نمودند (زاینده‌رود، ۱۳۳۲ق: شماره ۱۴).

نتیجه‌گیری

انگلستان و روسیه از ابتدای قرن نوزدهم میلادی رقابت شدیدی را در ایران آغاز نمودند و در خلال این رقابت، دولت انگلیس همواره در پی تأمین امنیت منافع خویش در هند و خلیج فارس بود. به‌طور کلی، رفتار آنان با سایر دولت‌های اروپائی و با دولت ایران در این چهارچوب قابل تحلیل است. علاوه بر آن، انگلیسی‌ها همواره به منافع تجاری و بازرگانی خویش در ایران نیز توجه داشتند؛ از این‌رو، کنسولگری انگلیس در اصفهان تا قبل از توجه روس‌ها به خلیج فارس و بندرهای جنوبی ایران رویکردی تجاری داشت و با حمایت‌های سیاسی و مالی از تجارتخانه‌های انگلیسی در صدد برتری تجاری بر منطقه مرکزی و به‌ویژه اصفهان بودند. پس از تصمیم روس‌ها به نفوذ در بندرهای جنوب و خلیج فارس، انگلیسی‌ها تغییر رویکرد دادند و از آن پس، علاوه بر اهداف تجاری، رویکرد سیاسی را نیز در این منطقه از کشور دنبال کردند. آنان در مقابل نفوذ

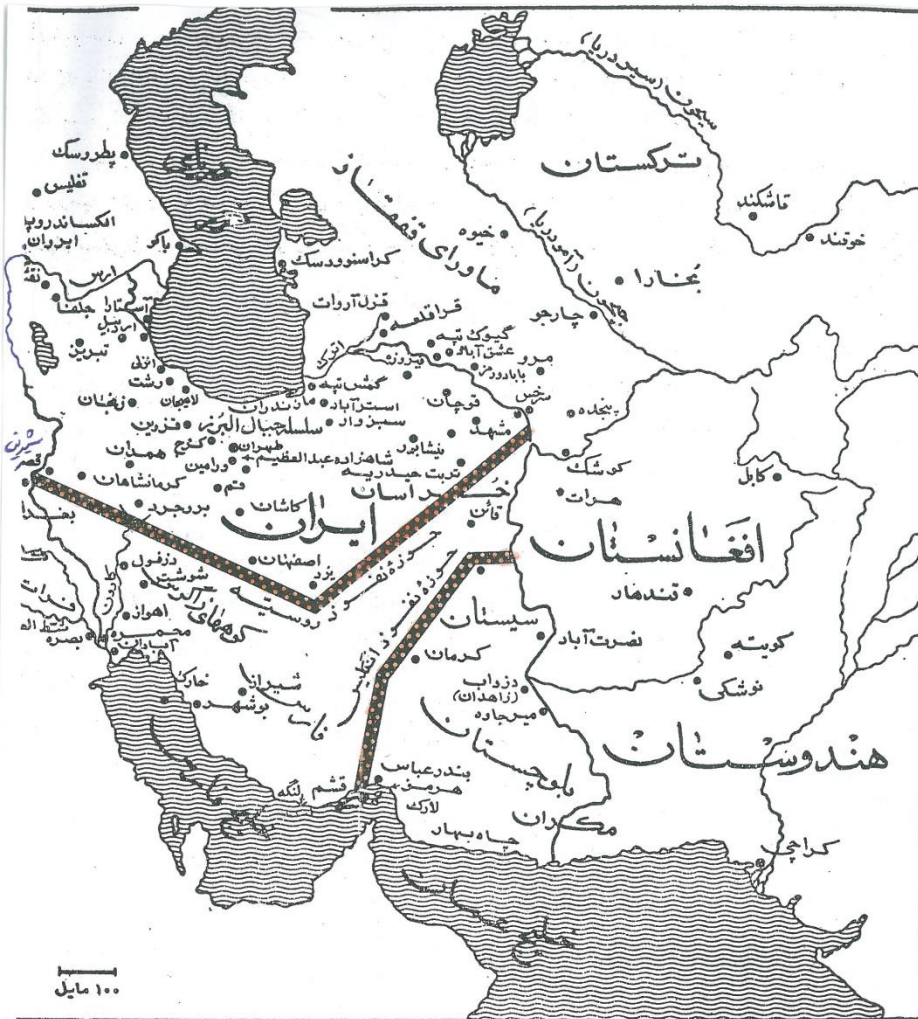
روس‌ها از طریق اصفهان به خلیج فارس، اقدام به تقویت کنسولگری خود در اصفهان و دیگر شهرهای مرکزی نمودند و کمربند دفاعی مرکزی ایران را ایجاد کردند.^۱

از آنجا که انگلیسی‌ها اصفهان را چهارراه و دروازه شمال به جنوب کشور می‌دانستند و اهمیت شایانی برای آن قائل بودند، تلاش فراوانی کردند که این شهر را به حوزه نفوذ خود ملحق کنند و یا حداقل آخرین نقطه نفوذ روس‌ها را به اصفهان محدود سازند؛ لذا خط فرضی منطقه نفوذ روس‌ها را که بر اساس قرارداد ۱۹۰۷م. از کرمانشاه آغاز و پس از عبور از یزد و اصفهان به محل تلاقی مرز ایران، افغانستان و روسیه در خراسان (جنوب سرخس) ختم می‌گردید، خط کمربند دفاعی مرکزی کشور قرار دادند^۲ و سپس تمام تلاش خود را برای جلوگیری از نفوذ روس‌ها به بندرهای جنوبی و خلیج فارس با تحکیم این کمربند دفاعی به کار گرفتند. سرانجام با ظهور آلمان‌ها در عرصه سیاسی ایران در خلال جنگ اول جهانی، از حساسیت انگلیسی‌ها به روس‌ها کاسته و باعث اتحاد آنان علیه آلمان‌ها شد. روس و انگلیس منطقه بی‌طرف را که شامل مناطقی مهم از استان اصفهان، یزد و بختیاری بود، بر اساس قرارداد جدید ۱۹۱۵م. به حوزه نفوذ خود اضافه کردند.

شایان ذکر است که کنسولگری انگلیس در اصفهان، علاوه بر رویکرد و اهداف بنیادین تجاری-سیاسی خود، اهداف و کارکردهای فرهنگی، مذهبی و ورزشی را نیز مدنظر داشت. آنان با جدیت، پیگیر مسائل فرهنگی، مذهبی، بهداشتی و امنیتی اتباع کشور خود بودند. همچنین برای تأمین رفاه و آسایش آنان و جلب قلوب مردم این منطقه، اقدام به برگزاری مسابقات ورزشی، برنامه‌های تفریحی، کمک به مستمندان و دیگر کارهای عام‌المنفعه می‌نمودند، حتی رعایت ظاهری احترام به مقدسات مذهبی عموم مردم را نیز مدنظر داشتند و در مراسم مذهبی اسلامی شرکت می‌کردند. بدین وسیله مأموران کنسولگری‌ها از هر فرصتی برای نفوذ در لایه‌های اجتماعی و مذهبی مردم ایران بهره می‌بردند. همان‌طور که گفته شد، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن هستند که رویکرد بنیادین کنسولگری انگلیس در اصفهان، تجاری-سیاسی بود، بر همین اساس، اغلب مأموران کنسولگری در این شهر، غیرنظامیان بودند. بر پایه آمار و گزارش‌های به‌دست‌آمده، در میان ۳۱ نفر سرکنسول و کنسول انگلیس در اصفهان از سال ۱۸۹۱ تا ۱۹۴۵م. فقط ۶ نفر نظامی (سرگرد و سروان) حضور داشته‌اند؛ یعنی ۱۹ درصد کنسول‌ها و سرکنسول‌های انگلیسی در این شهر نظامی بودند. برخلاف آن، رویکرد کنسولگری انگلیس در منطقه جنوب شرقی ایران یعنی سیستان و بلوچستان و کرمان، صبغه نظامی-سیاسی داشت و به‌علت مرزی‌بودن منطقه مزبور و احتمال درگیری فیزیکی، اغلب مأموران کنسولگری نظامی بودند.

^۱. در این زمینه بنگرید به نقشه ضمیمه مقاله

^۲. نقشه ضمیمه مقاله



در نقشه بالا، دو حوزه نفوذ روس و انگلیس بر اساس قرارداد ۱۹۰۷م. مشخص شده است و کمر بند دفاعی مورد اشاره پژوهش نیز که ایجاد آن در شمار رویکردها و اهداف بنیادین کنسولگری انگلیس در اصفهان بود، دقیقاً با خط نفوذ روس‌ها در مرکز ایران تطابق دارد. (منبع: کاظم‌زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران).

منابع و مآخذ

- آبادیان، حسین، ۱۳۷۶، دین و جنبش صدرژی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اخوان، صفا، ۱۳۸۰، *ایران و جنگ جهانی اول*، مجموعه مقالات سمینار، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- اسکراین، سرکلارمونت، ۱۳۶۳، *جنگهای جهانی در ایران*، ترجمه: حسین نجفآبادی فراهانی، [بی جا]: نوین.
- افشار یزدی، محمود، ۱۳۸۵، *سیاست اروپا در ایران*، چ ۸، ترجمه: ضیاءالدین دهشیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- الهی، همایون، ۱۳۶۸، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: اندیشه.
- اوبن، اوژن، ۱۳۸۸، *ایران امروز* (سفرنامه اوبن سفیر فرانسه در ایران)، تهران: [بی نا].
- براون، ادوارد، ۱۳۳۷، *انقلاب ایران*، چ ۲، ترجمه و حواشی: احمد پژوه، تهران: معرفت.
- پالمر، رابرت روزول، ۱۳۸۳، *تاریخ جهان نو*، چ ۲، چ ۴، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر.
- جناب، محمدعلی، [بی تا]، *خلیج فارس: آشنایی با امارات آن*، [بی جا]: [بی نا].
- حاجیان پور، حمید و سید میرعبدالرضا حسینی، ۱۳۹۸، "اهداف و کارکردهای کنسولگری بریتانیا و تعامل آن با کمپانی هند شرقی در شیراز ۱۳۴۴-۱۳۲۱ق"، *دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره*، دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۱۱، ش ۳۶، صص ۳۲-۹.
- حسن‌نیا، محمد، ۱۳۹۱، *خلیج فارس در رقابت‌های روس و انگلیس در اوایل سده بیستم*، به نقل از: خیراندیش، عبدالرسول و مجتبی تبریزنیا، *پژوهشنامه خلیج فارس*، چ ۱، تهران: خانه کتاب.
- ذوقی، ایرج، ۱۳۷۰، *تاریخ سیاسی، اقتصادی نفت ایران*، تهران: پاژنگ.
- رابرت، سُر دنیس، [بی تا]، *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها*، ترجمه: کریم امانی، تهران: [بی نا].
- رایینو، لویی، ۱۳۶۳، *دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس*، ترجمه: غلامحسین میرزاصالح، تهران: نشر تاریخ ایران.
- روزنامه زاینده‌رود/اصفهان*، ۱۳۳۲ق، ش ۱۴.
- رونوون، پی‌یر، ۱۳۷۰، *تاریخ روابط بین‌الملل در قرن نوزدهم*، چ ۱ و ۲، ترجمه: قاسم صنعوی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سایکس، سر پرسی مالزورث، ۱۳۶۶، *تاریخ ایران*، چ ۲، ترجمه: سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.
- _____، ۱۳۶۳، *سفرنامه سایکس*، چ ۱، ترجمه: حسین سعادت‌نوری، تهران: لوحه.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر (به کوشش)، ۱۳۸۳، *وقایع/اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران*، تهران: آسیم.
- کاظم‌بیگی، محمدعلی، ۱۳۹۰، "کنسولگری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوره قاجار و کارکنان محلی آن"، *مجله تحقیقات تاریخ/اجتماعی*، س ۱، ش ۲، پائیز و زمستان، صص ۹۹-۷۱.
- کاظم‌زاده، فیروز، ۱۳۵۴، *روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴*، پژوهشی در باره *امپریالیسم*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: فرانکلین.
- کتاب آبی، ۱۳۷۷، *انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه/انگلیس*، به اهتمام: رحیم ملک‌زاده، تهران: مازیار.

- کتاب نازنجی، ۱۳۶۷، بر اساس اسناد وزارت امور خارجه روسیه، ج ۱ و ۲، به کوشش: احمد بشیری، تهران: نور.
- کرزن، جرج ن، ۱۳۶۲، *ایران و قضیه ایران*، ج ۲، ترجمه: غلامعلی وحیدمازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کمالی، مریم، ۱۳۹۰، "اسناد پارلمانی انگلستان، اسناد کنسولگری انگلستان در اصفهان ۱۹۰۶-۱۹۰۱"، *فصلنامه اسناد بهارستان*، ش ۱، س ۱، صص ۲۵۳-۲۴۰.
- گرثویت، جن راف، ۱۳۷۹، *تاریخ سیاسی، اجتماعی بختیاری*، ترجمه و حواشی: مهرباب امیری، تهران: سهند.
- گریوز، رز، ۱۳۸۷، *روابط ایران با بریتانیای کبیر و هندوستان*، در: آوری، پیتر و دیگران، *تاریخ ایران کمبریج* (دوره افشار، زند و قاجار)، ترجمه: مرتضی ثاقبفر، تهران: جامی.
- لنزوسکی، جورج، ۱۳۵۳، *رقابت روسیه و غرب در ایران*، ترجمه: اسماعیل رائین، تهران: جاویدان.
- لوکاس، هنری، ۱۳۷۲، *تاریخ تمدن*، ج ۲، چ ۲، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان.
- لیتل فیلد، هنری، ۱۳۷۳، *تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵ به بعد*، چ ۲، ترجمه: فریده قرچه‌داغی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ماله، آلبر، ۱۳۸۴، *تاریخ آلبر ماله*، ج ۶، ترجمه: حسین فره‌ودی، تهران: سمیر.
- محمود، محمود، ۱۳۵۳، *تاریخ سیاسی ایران و انگلیس*، ج ۲، تهران: اقبال.
- مرادی، مسعود و معصومه صاحب‌کاران، ۱۳۹۱، "کنسولگری بریتانیا در خراسان و نقش آن در گسترش نفوذ انگلیسی‌ها در جنوب شرق ایران"، *مجله مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، سال ششم، شماره دوم (پیاپی ۲۳- زمستان ۹)، صص ۱۶۰-۱۴۵.
- مرادی‌خلج، محمدمهدی و رضا صحت‌منش، ۱۳۹۳، "اهداف و کارکردهای کنسولگری انگلیس در کرمان و سیستان ۱۳۳۳-۱۳۱۲ق"، *مجله تاریخ ایران*، ش ۷۴/۵، تابستان و پائیز، صص ۸۷-۵۵.
- مورخ‌الدوله سپهر، احمد، ۱۳۶۲، *ایران در جنگ بزرگ*، چ ۲، تهران: ادیب.
- مهندس، میرزا رضا، ۱۳۸۶، *سفرنامه*، به کوشش: مجید نیک‌پور، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- میرزاصالح، غلامحسین، ۱۳۶۵، *اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روسیه و عثمانی*، ج ۱، تهران: تاریخ ایران.
- نزویو، پیوکارلوتر، ۱۳۵۹، *رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان*، ترجمه: عباس آذرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ویلسن، سر آرنولد، ۱۳۶۶، *خلیج فارس*، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.